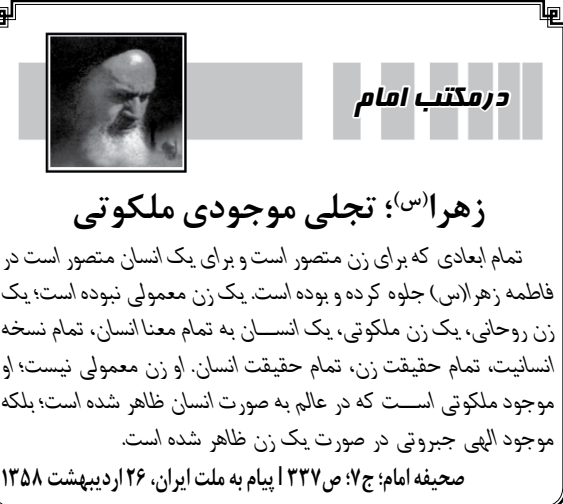




تمام ابدادی که برای زن متصور است و برای اک انسان متصور است در فاطمه زهرا(س) جلوه کرده و به تمام معنای نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا!انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است.

صفحهٔ امام ج ۷: ۲۲۷ پیام به ملت ایران، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِثْلَهَا اِلَّا خَيْرًا یعنی خدا یا جز خیر او از چیزی نمی‌دانیم. این نامه روضه نیست ولی بی‌گمان بدان، برای مادر جوامع‌گ روضه می‌شود. حال دلم خراب و حال قام هم خرابتر، وقتی که پای کلامم به پا کوچه باز می‌شود. آنچه خیال آشفته عاشق می‌خواهد، تقارن ایام است و تقارب مناسبات. گویی خدا برای او بهترین خیر را رقم زده وقتی که تقویم روزگار را با تقدیر حال خود مساعد می‌پسند. از خوش اقبال و فال نیک است که عاشقی بتواند در میان اتفاقات مختلفی که روزمره دیگران است برای تشفی خاطر خود شاهدمنامی بیابد و فرصتی فراهم کند تا آنچه را در ذوق و ذهنش ساختہ پرداخت کند.

داستان دی ماه‌های این دو سال اخیر دقیقاً همان چیزی است که خلمه خیال عاشقان قدر آن را بیشتر از دیگران می‌داند. انقلاب اسلامی ما چنان است که هر کس که در فضا و هوای آن نفس کشیده و می‌کشد و حتی آنها که در این دوران آخرالزمان زندگی می‌کنند، بی‌شک معجزه‌هایی را از آن دیده‌اند تا حجت خدا بر آنها تمام شود. اگر گفته می‌شود قوم موسای ۱۴ معجزه از او دیدند ما از مکتب و مکتبی‌های خمینی و خامنه‌ای صدها معجزه دیده‌ایم که اینچنین آماده امتحان‌های بزرگ شده‌ایم. گویی داستان قوم موسای کلیم، این‌بار این‌گونه تکرار می‌شود که امت ما پشت دریا ایستاده، از سبویی منتظر شگافته شدن درای مشکلات و فرج و گشایش است و از سوی دیگر نیز جوامع‌راندامن با لشکر نزدیک شده فرعون و همان می‌جنگند. سختی متفاوت دیگر در جبهه جدید پیش روی این امت است. خدای پرست، تنوع و تکرر عرصه‌های جهاد است. امروزه جنگیدن در جبهه جنگ نرم و شناختی، سخت‌تر از جنگیدن در عرصه جنگ سخت است. اگر فضای مجازی، مجاری باشد ولی جنگیدن در آن حقیقی است. دروغش دروغ و راستش درست است. آدم‌ها و آدمین‌ها مجازند ولی فرهنگ‌یاشان نه شخص‌ها خیال‌اند، نه شخصیت‌ها نه به اسم مجاز به جنگ حقیقت آمده‌اند و به نام انفعال اطلاعات اعتبارات و آبرو می‌کنند. جنگی که دشمنان در این عرصه می‌کنند جنگ نامرئی و نامردی است. لیکن خیال خیال کن که معاویه ۱۴۰۰ سال پیش، صاحب تلویزیون و آب و آبپاشا و تئوتیر باشد. آنکه آن روز آن‌گونه کرد اگر امروز بود چه می‌کرد؟ بی‌شک همین کاری را می‌کرد که صهیون و پوپالیسم امروز می‌کنند. شب را روز و روز را شب جلوه می‌دهند. خرس را به تخم می‌نشانند و مرغ را به جنگ می‌کشاند. رجوی را «مرد دوست» می‌خوانند و معصی را مسیح می‌نامند. نوه رضا پهلوی که ۴۲ سال است از مادرش خرو می‌گیرد می‌خواهد به آریایی‌های ایرانی از روز خوش بگوید و ملکه‌ای که مرغ و ماهی آب‌ها را هم مال خود می‌داند، شعار دفاع از آزادی می‌دهد. امروزه جبهه جنگ در فضای مجازی است؛ فضا را برای لابی‌های نفایم آسیب‌پذیرمان کرده‌اند و گر نه در صحنه سخت نظامی دشمنان فمپیده‌اند که اگر زبان به غلط بخرانند و تهدید کنند، امثال دیومنا را روی زمین پهن می‌کنیم و با موشک و پهپاد آوازا را سیبل اموزش می‌آوریم. این است که اما در فضای مجازی است که دشمن با نبرد شناختی، «تبار آوری» و «آستان تحمل» مردم را نشانده رفته است. شهپاتی که روزانه علیه انقلاب شلیک می‌شود توان تحلیل را تحلیل می‌برد. کار دشمن شایعه‌سازی و دروغ پردازی است و وظیفه مسئولین مواظب بر انجام صحیح و بی‌حاشیه مسئولیت و بستن راه دشمن با توانمند کردن تحلیل جامعه و تجزیه رزمندگان این عرصه است و اما وظیفه مردم در فضای شناخت دوست و دشمن و پرسیدن چرا و چگونه از اخبار منتشر شده در فضای رسانه‌هاست. و دانستن اجمال تاریخ صدر اسلام و تاریخ مشروطه به بعد.

دشمنان در فضای پیچیده و محیل مجازی در واقعیات، تشکیک می‌کنند و شبهه می‌پراکنند. و در همین فضا است که مردم بی‌پناه را اسیر القاتل می‌کنند و تخم یاس می‌پاشند تا تفرقه و جدایی از اسلام و انقلاب و ارزش‌ها را درو کنند. مقتل معتقدات بسیی هونل‌تاکتر از مدیح آدم‌هاست. زهرتربید و تخریب در فضای مجازی بیش از زخم و سوزش تیر داغ جنگی است. دشمن «شناخت» مردم را نشان گرفته و چون می‌داند که نمی‌تواند دست مردم را از دست موسا جدا کند شپش کش به او را به جان آتش انداخته. «حاج قاسم» را که در تاریخ ایران بی‌ نظیر است و در حماسه‌سازی، عظیم‌القدر و به قدش باه از امیر یاس، به گونهای معرفی می‌کنند تا بتوانند دهان نجاست خوار ترامپ و همدستانش را پاک کنند و جای شهید و جلاد را عوض کنند. این عصبیت نیست از معاویه‌های رسانه‌دار که در زمان‌خواندن علی علیه‌السلام تشکیک کردند یا خود را عزادار حسن بن علی علیه‌السلام معرفی کردند.

مناسبات دیده‌ام، تقارن عجیبی دارند. ۹ دی روز بصیرت مردم است و ۱۲ آن رحلت عمار انقلاب و عالم بصیرت ده که عمر شریفش نهالستان عمارها و مالک‌هاست. و ۱۳ آن ماه که سالروز شهادت سردار دل‌ها و امیر قلب‌ها و صاحب مکتب صدق و اخلاص، حاج قاسم سلیمانی است. و امسال شش سال قبل، دی‌ماه ما مزین به ماه خانه علی فاطمه اطهر سلام‌علیه‌الست است که اموزگار مردان و زنان آزاد مکتب آزادگی و ولایت است. این تقارن اگر اتفاقی باشد ولی اتفاقی نیست که از آن بتوان ساده گذشت. ترجیع‌بند این ریشه نور، بصیرت است که مادر خوبی‌ها سروده است. امتی که مادرش زهراست و در میان این امت عمل و مالک نفس کشیده باشند، باید که از مومن ۹ دی را مقتدرانه بگذرانند. جهاد روشنگرانه و اولیامدارانه مادر، هدف را مشخص کرده و راه را مصباح روشن کرد و سرادر، هموار نمود و این مردمند که بدخلون می‌آید دین الله افواج! گاه دیده‌ام داستان را از آخر شروع کرد / او درس و عبرت آن را مکرر مرور کرد. منظوم‌امروز جمهوری اسلامی که خانه حیوان است آخر داستان ما تا به امروز بود و مدخل روضه‌ای که باید به پا کنیم. اما فاطمه است و قرار ما در فضای است. عصبیت است که نام حسن دل را را می‌کند و یاد مادرش دل را بی‌قرار. شاید این اثری است که از مولایمان مانده است. وقتی که پیش چشم علی / همه گفتند رفتی است، حال علی به شد خدا. با توفیق علی / اجر رسالت بود یا توان اولیامدار، معلوم نیست ولی آنچه مشخص است حال فاطمه است که روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود. اصلا بعد از پیمبر دامن‌ا سسر درد داشت و روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شد تا آنجا که این روزها فقط شبی ا از او مانده بود. هفتاد یا نود روز کدام است، چه فرقی می‌کند. مهم این است که تنها دختر رسول خاتم که امتش را به امت داده بود و در ازای اجر و پاداش رسالت، محبتش را از آنها خواسته بود، نه با بیماری و کهولت، که با بی‌احترامی و کتک، شکسته شد و اکنون رو به قبله خوابیده است.

خانه‌هایی هستند که خدا رخصت داده تا قدر و منزلتشان رفعت یابد و نام و یاد خدا جاری باشد و هر بامداد و شامگاه او را انیاش کنند؛ مثل خانه علی و فاطمه که کلام نعمت و مهذب محبت و بهجت ملائک و

چای نوش جان می‌کنند. گوشه‌ات، حالا میان خانه چه خالی است

جای تو.

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای صحرایی

محمدهای ص